

"بوت برای اطفال پا برهنه افغانستان!"

مصاحبه دکتور فرید ظهاس با مرسل ظهاس

"حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان دستور داده است بیست کودکی که به اتهام تلاش برای بمبگذاری انتحاری در بازداشت به سر می برند تا عید فطر امسال از زندان آزاد شوند" (سایت فارسی بی بی سی)

در این مصاحبه مرسل ظهاس، که اکنون حقوق بین المللی را در پوهنتون شهر لاهه هالند فرا می گیرد، می گوید که اگر وضع اقتصادی مردم در افغانستان بهبود میافت، نه پابرهنه یی و نه "انتحاریی" در آن جا وجود میداشت.



مرسل ظهاس

فرید: فکر میکنی میان "پابرهنه" و "انتحاری" رابطه یی موجود است؟

مرسل: بلی، بنظر من میان "پابرهنه" و "انتحاری" رابطه موجود است؛ بخاطری که فقر و پابرهنه گی از علل اساسی "انتحاری" شدن است.

فرید: خوب، بحث در این باره را به مصاحبه های آینده میگذاریم و حالا ممکن است در باره بوت هایی صحبت کنی که برای اطفال بی بضاعت و پابرهنه افغانستان جمع آوری کرده بودی؟

مرسل: اصلاً هیچ ضرور نیست در این مورد با من مصاحبه شود؛ به خاطری که من نی کدام شفاخانه یی آباد کرده ام و نی کدام یتیم خانه یی.

فرید: خوب، اگر از تواضع بگذریم؛ چرا تصمیم گرفتی بوت جمع آوری کنی و به افغانستان بفرستی؟

مرسل: در یکی از کانالهای تلویزیونی افغانستان طفلکی هموطنم را نشان میداد که پایکپایش لچ و برهنه است و روی برفها راه میرود. با دیدنش دلم به حالش سوخت؛ اشکهایم ریخت؛ بسیار گریه کردم و با خود گفتم که من به این طفلک و امثال او چی کومکی میتوانم انجام بدهم؛ همان بود که تصمیم گرفتم به جمع آوری بوت آغاز کنم.

فرید: اگر تصادفاً همان طفلک پابرنه را در تلویزیون نمی دیدی، به فکر جمع آوری بوت میفتادی؟

مرسل: من حس همدردی و کومک به مردم را همیشه داشته ام. لیکن دیدن آن طفلک، انگیزه بی بود که سبب شد احساس همدردی خود را تا حد توان در عمل پیاده نمایم.

فرید: بوتها را از کجا، چند جوهره و به چه ترتیب جمع آوری کردی و چطور آن را به افغانستان فرستادی؟

مرسل: طریق جمع آوری بوتها بسیار جالب بود. چندین کارتن کلان قطعه بی را در صحن چند مکتب و کودکستان در جرمنی ماندیم و بر آنها نوشتیم: "بوت برای اطفال پابرنه افغانستان!" پس از دو روز، به من تلفون کردند و گفتند: بیایید کارتنها از بوت پُر شده و آنها را ببرید. رفتیم و دیدیم که چار کارتن کلان پر از بوت است، همین که بوتها را دیدم، خوش شدم و همان طفلک پابرنه در نظرم مجسم شد. خلاصه کارتنهای بوت را گرفتیم؛ فکر میکنم حدود چند صد جوهره بوت طفلانه جمع آوری شده بود. بوتها همه نونو و بسیاری از آنها حتی در پلاستیک نیز پیچانده شده بود. . . .
با جمع آوری بوت، کمی احساس آرامش کردم و برآن شدم تا زمینه انتقال آنها را به افغانستان فراهم سازم. خوشبختانه این وظیفه را یکی از هموطنان با درد و با احساس ما که در هامبورگ زنده گی میکند، داوطلبانه بعهده گرفت و آنها را در موتر شخصی خود بدون اخذ کرایه به افغانستان انتقال دهد. شخص مذکور انسان بسیار مهربان و مردم دوست بود و من با اطمینان کامل بوتها را به ایشان سپردم و خواهش کردم تا آنها را به چند طفلک بی بوت و بی بضاعت هموطنم توزیع کند.

فرید: بوتها به اطفال بی بوت توزیع شد؟

مرسل: بلی، توزیع شد.

فرید: و به همو طفلک پای لچ که در تلویزیون دیده بودی، هم توزیع شد؟

مرسل: والله نمی فهمم؛ شاید به او هم توزیع شده باشد. امیدوارم که حداقل یک جوهره به همو طفلک نیز رسیده باشد.

فرید: پس از آن که خبر شدی بوتها به اطفال مستحق توزیع گردید، بخود بالیدی؟

مرسل: نی، بخود نه بالیدم؛ بخاطری که من یک وظیفه انسانی و وجدانی خود را انجام دادم و باید انجام میدادم. آدم وقتی بخود ببالد که کار های بزرگ و خدمات واقعاً وسیعی را به نفع مردم انجام دهد.

فرید: از این کار تو در افغانستان کسی قدردانی کرد؟

مرسل: من این کار را به خاطر قدردانی انجام ندادم؛ مهم این بود که توانستم حداقل چند طفل پا برهنه را از سردی زمستان نجات بدهم.

فرید: در همان روزهایی که بوتها را جمع آوری میکردی، بوتهای خودت از بوتهای جمع آوری شده بهتر بود، یا نی؟

مرسل: همینقدر یادم هست که بوتهای من از بوتهای جمع آوری شده هیچ برتری نداشت.

فرید: در جمع آوری بوتها، چه کسانی با تو همکاری کردند؟

مرسل: مادرم مریم طهماس و من این کار را انجام دادیم.

فرید: چه فکر میکنی، به نظر خودت با جمع آوری بوت و لباس و فرستادن آن به مردم افغانستان می توان مشکل اقتصادی مردم در آن جا را حل کرد؟

مرسل: با این گونه کارها، شاید به چند نفر و آنها هم به طور مؤقت کومک شده بتواند؛ لیکن مشکل اساسی افغانستان و پیشرفت همه جانبه در آن جا را فقط تغییر ریشه یی سیستم اقتصادی می تواند تضمین نماید.

پایان